

■ **محمود حکیمی**

هفتمین دور از مذاکرات هسته‌ای از روز دوشنبه ۲۹ نوامبر در وین برگزار شد و پنج روز ادامه یافت تا اینکه با وقفه‌ای کوتاه، دوباره از روز پنج‌شنبه ۹ دسامبر ادامه یابد. این دور از مذاکرات همانند شش دور قبل بین هیئت ایرانی با نمایندگان کشورهای باقیمانده در برجام انجام می‌شود که از آن به عنوان مذاکرات مستقیم یاد می‌شود و این نمایندگان به عنوان میانجی بین هیئت ایرانی و هیئت امریکایی مستقر در وین کار می‌کنند تا اینکه مذاکرات غیر مستقیم بین ایران و امریکا انجام شود. گزارش و تحلیل‌های متفاوتی از این چند روز مذاکرات شده اما نکته قابل توجه در واکنش بی‌سابقه‌ای است که رژیم صهیونیستی و مقامات ارشد این رژیم به آن داشته‌اند. سفرهای بی در پی نفتالی بنت نخست‌وزیر، لائیر لاپید وزیر خارجه، بنی گانتس وزیر دفاع و دیگر مقامات این رژیم و دیدارهای فشرده در آنها با هم‌تایان غربی خود نه تنها دلالت بر ناخشنودی آنها از روند فعلی وین دارد بلکه نشان می‌دهد سران این رژیم تا احساس می‌کنند به میزان زیادی ناپایده گرفته شده‌اند با این دیدارها سعی می‌کنند تا خودی نشان داده باشند. با این وجود، مسئله اساسی این است که احساس تهایی این رژیم می‌تواند چه پیامدی در پی داشته باشد.

■ **تنش آفرینی**

شکی نیست که اولین و مهم‌ترین پیامد این احساس تهایی تشدید تنش‌ها و حتی مبادرت به اقدام نظامی از سوی رژیم اسرائیل علیه ایران است. این چیزی نیست که در حد حسد و گمان یا بنا بر اشارات مبهم و گنگ باشد بلکه حالامقامات ارشد سیاسی و نظامی این رژیم به صراحت از این موضوع می‌گویند. برای نمونه، بنت در ۲۳ نوامبر و تنها شش روز قبل از شروع این دور از مذاکرات در دانشگاه راشمن رژیم اسرائیل گفت: «در صورت بازگشت به توافق هسته‌ای، اسرائیل از آنست به این توافق متعهد نمی‌داند» و افزود: «ما به سمت روزهای پیچیده پیش می‌رویم، شاید با برخی از نزدیک‌ترین متحدان خود اختلاف نظر داشته باشیم. این اولین بار نخواهد بود اما اشتباهی که در زمان امضای قرارداد قبلی در سال ۲۰۱۵ مرتکب شدید، تکرار نخواهیم کرد.» در حالی که برخی تحلیلگران این حرف بنت را حمله‌اوبه بنیامین نتانیاهو،نخست‌وزیر قبلی ازبلی کردند

■ **پرورنده**

تنهایی خردکننده تل آویو

وقتی رژیم صهیونیستی راهی جز کنار آمدن با ایران هسته‌ای ندارد



اما برخی نیز آن را اشاره‌اوبه طرح‌های نظامی اسرائیل علیه تأسیسات هسته‌ای می‌دانند که نتانیاهو بعد از امضای توافق هسته‌ای در ۲۰۱۵ و تحت فشار دولت باراک اوباما، رئیس‌جمهور وقت امریکاجبور شد کنار بگذاردو حالانتمی می‌گوید من این کار را نمی‌کنم و حتی اگر توافقی در وین به دست بیاید، طرح‌های نظامی علیه ایران را حفظ خواهد کرد و حتی آنها را به صورت یکجانبه انجام خواهد داد.

■ **آمادگی نظامی**

از مشاوره‌اسر چنین پیداست که بنت به فرماندهان نظامی خود دستور بررسی این طرح‌ها و پرورسانی آنها را داده و حتی روزنامه تایمز اسرائیل در ۱۸ اکتبر از تصویب بودجه



نیویورک تا میز یک روز قبل از شروع دور هفتم مذاکرات فاش کرد حملات و اقدامات خرابکارانه مثل حمله به تأسیسات نطنز شاید از نظر تاکتیکی رضایت‌بخش باشد، اما در نهایت نتیجه معکوس داشته است، چراکه این رژیم نیست این روزهای ما چه کیفیتی حمله به ایران خواهد بود یا نه! اما باید گفت سفر گانتس و داوید بارناتر رئیس موساد به امریکا هم‌زمان با انتشار این خبر بی‌ارتباط با آن نباشند. به نظر می‌رسد گانتس و بارناتر در این سفر قصد دارند تا نه تنها تأیید واشنگتن را برای انجام این آزمایش به دست آورند بلکه تا آنجا که ممکن است واشنگتن را ترغیب به همکاری در انجام

پیر الممل

سرویس بین‌الملل ۸۸۹۹۴۴۴

هسته‌ای ایران را متوقف کند «اما حالا فرصت آن را از دست داده‌است» و تأکید می‌کند: «اگر ما یک تأسیسات هسته‌ای را تخریب کنیم، ایران می‌تواند طی دو سال آن را بازسازی و فعال کند.» سوزان دی ماجیو، پژوهشگر اندیشکده کارنگی نیز در مصاحبه ۲۸ نوامبر با شبکه خبری پاکستانی دنیابویز گفته بود نیروی نظامی در نهایت، مشکلی را حل نخواهد کرد و «در واقع، سابقه کار نشان می‌دهد که ایران آماده‌است تا فشار را با فشار پاسخ دهد.»

■ **بذیرفتن ایران هسته‌ای**

واقعیت این است که حجم بالای تحرکات دیپلماتیک، نظامی و خبری رژیم اسرائیل در روزهای اخیر بیش از هر چیز گویای احساس تهایی است که به این رژیم دست داده و سعی می‌کند با این وسیله به آن واکنش نشان دهد اما آیا نتیجه‌ای هم در پی خواهد داشت؟ مسئله اساسی اینجاست. یکی از اظهارنظرهای جالب در این زمینه از سوی ایهود باراک، نخست‌وزیر اسبق رژیم بیان شد که اخیراً در مصاحبه با اخبار کانال ۱۲ رژیم گفته بود روزنامه تایمز اسرائیل نیز آن را ۶ دسامبر منتشر کرد. باراک در این مصاحبه گفت: «من با احتیاط می‌گویم که مشخص نیست اسرائیل و ایالات متحده در حال حاضر طرح عملی مشخصی داشته باشند که طبق آن اگر حکم حمله را صادر کنند، صبح که از خواب بیدار می‌شوید ببینید ایران سه سال از تولید تسلیحات هسته‌ای فاصله دارد.»

این حرف باراک تأییدی است بر تحلیل دیگر کارشناسان که رژیم اسرائیل یا در حقیقت امر طرح واقعی برای حمله به تأسیسات ندارد یا اگر هم داشته باشد نمی‌تواند طرحی مؤثر باشد به نحوی که مانع پیشرفت هسته‌ای ایران شود. به این دلیل است که سرلشکر بن اسرائیل در نهایت گزینه بی‌باقیمانده را در پذیرش ایران هسته‌ای می‌داند و می‌گوید رژیم باید به جای تهدید به حمله نظامی و کارشنکی در فرآیند مذاکرات وین، به فکر تدوین یک‌دکترین امنیت ملی جدید باشد که بازارندگی در این دکترین «مبتنی بر توازن قوای هسته‌ای» باشد. این همان چیزی است که در دوران جنگ سرد تحت عنوان نابودی حتمی Mutually Assured Destruction شناخته می‌شد و حالا این سرلشکر کارگشته توجه به آن را به رژیم اسرائیل پیشنهاد می‌کند، چراکه به عقیده وی، دیگر نمی‌توان واقعیت ایران هسته‌ای را نادیده گرفت و مانع آن داد.

رویکرد

خواب اتحاد پیرامونی علیه ایران

دائمی در خاورمیانه به ویژه خلیج فارس و مرزهای شمال غربی، تأمین امنیت انرژی برای خود و بر کردن خلافت‌رت ایالات متحده در منطقه، فروش و استقرار تسلیحات نظامی به کشورهای منطقه و در نهایت منزوی کردن ایران در رأس خط مشی صهیونیست‌ها قرار گرفته‌است. در دولت ترامپ، ابتدا او با جمع کردن رهبران بیش از ۵۰ کشور اسلامی در ریاض، طرح ایجاد یک ائتلاف اسلامی علیه ایران را کلید زد و مدتی بعد، طرح ناتوی عربی را مطرح کرد. هر دو طرح برای کشورهای عربی ناکام ماند و نتیجه آن، سرسراز شدن میلیاردها دلار پول از عربستان و امارات به امریکا برای خرید تسلیحات و فراهم کردن زیرساخت‌های مورد نیاز بود. در نهایت با شکست طرح معامله قرن، ترامپ برای حفظ آبروی از دست رفته، امارات و بحرین را وارد به عقد پیمان ابراهیم با رژیم صهیونیستی کرد. البته این پیمان میان دوستان برده‌شنینی صورت گرفت که دیگر غلبه غلبی نیست و برخاست‌های خود را نشان می‌دهند.

همچنین رژیم صهیونیستی از نظر داخلی، جمع‌ای است چندملیتی که حول دین به گونه‌ای شکننده گرد هم آمده‌اند. در نتیجه چند دستگی سیاسی گسترده‌ای در میان آنها وجود دارد و در مدت اخیر، با ناکامی و سوءمدیریت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آن سب‌ساز گسست بیشتری در میان آنها شده‌است. از ابتدای تاریخ تشکیل این رژیم، چنین گسست‌هایی که عمدتاً منشأ داخلی دارند وجود داشته و دولت‌مدان صهیونیستی سعی در مدیریت آن با استفاده از شرایط بین‌المللی



داشته‌اند. به این ترتیب همواره با ایجاد توهم تهدید از بیرون، چندپارگی‌های داخلی را برای مدتی کنترل کرده‌اند. تحولات کنونی و پیش‌روی رژیم صهیونیستی به دلیل فساد و سوء مدیریت سیاستمدارانش، نشان از هرج و مرج فرازینده در این جامعه چندپاره دارد. خشونت‌های خیابانی اخیر به دلیل تبعات اقتصادی – بهداشتی ناشی از کرونا، موج بیکاری ۲۷ درصدی، سوءاستفاده و فساد نتانیاهو از قدرت، انتخابات چندپاره و در نهایت ایجاد دولت ائتلافی شکننده، نشان از شرایط بحرانی درون اسرائیل دارد. حال چه چیزی بهتر از روابط با کشورهای عرب که از یکسو در ظاهر خود را حامی فلسطین می‌دانند و از دیگر سو جمهوری اسلامی ایران را برهم زنده امنیت خود؟ به این ترتیب رژیم اشغالگر هم پروژه دشمن‌سازی-اتحاد را پیش می‌اند و هم‌عادی‌سازی روابط به شکلی رسمی با دولت‌های منطقه را.

■ **تلاش برای ترویج روایت ساز –**

دولتمردان سعودی بیش از پیش به دنبال راه انداختن دمیونوی عادی‌سازی روابط اعراب با اسرائیل هستند تا زمینه اعلام رسمی روابط با عقد «پیمان ابراهیم» کردند. آن به بعد تاکنون به ویژه میان امارات و رژیم صهیونیستی پیمان‌های نظامی همچون قرارداد طرح‌شناورهای بدون سرنشین ضد زیر دریایی که قادر به عملیات دریایی است و پیمان‌های تجاری – اقتصادی مانند قرارداد شرکت اسرائیلی OurCrowd با گروه AIN-boodh در دومی به قصد تسهیل سرمایه‌گذاری منعقد شده‌است.

بر اساس «دکترین پیرامونی»، اسرائیل باید برای آمون دشمنان خود که مهم‌ترین آنها جمهوری اسلامی ایران است، متحدان و پایگاه‌هایی ایجاد کند. کشورهای حاشیه خلیج فارس، جمهوری آذربایجان و ترکیه، در این خط‌مشی مورد توجه قرار گرفتند. نکته مهم در پیشبرد این دکترین، بهره‌گیری از توازن نفوذ اقتصادی و علمی و به دنبال آن ایجاد گروه‌های نظامی – امنیتی در دولت‌های هدف است که نمونه‌امارات یکی از آنهاست. در آذربایجان نیز رژیم صهیونیستی بخش مهمی از سامانه‌تلفن همراه آذربایجان را توسط شرکت «باک سل» در دست دارد، تیریزی دریایی آن را پشتیبانی می‌کند. فروش حجم بالایی از تسلیحات خود را به آذربایجان اختصاص داده و اخیراً نیز «میکائیل جباروف»، وزیر اقتصاد آذربایجان در سفر به فلسطین اشغالی، قرارداد با شرکت اسرائیلی «OurCrowd» برای کنترل مالی استارت‌آپ‌ها و ساخت شهرک‌های هوشمندرا در منطقه‌ای که طی جنگ اخیر از اشغال در آمدند نهایی کرده‌است.

■ **توهم تهدید از جمهوری اسلامی ایران**

بهاهه قرار دادن تهدید جمهوری اسلامی ایران برای همسایگان جنوبی و شمالی و ایجاد اتحاد علیه ایران، برای رسیدن به منافعی مانند حضور در خاورمیانه به ویژه خلیج فارس و مرزهای شمال غربی، بازار اقتصادی – تجاری این مناطق را به خصوص در فروش تسلیحات و تأمین انرژی مورد نیازش فراهم نماید و از سوی دیگر، اعراب با نزدیک شدن به تل آویو ضمن به دست آوردن حمایت لایه صهیونیستی در خرید تسلیحات گسترده، قدرت پیرامون خود یعنی جمهوری اسلامی ایران، راه‌انزوا یکشاند.



رژیم صهیونیستی از نظر داخلی، جامعه‌ای است چندملیتی که حول دین به گونه‌ای شکننده گرد هم آمده‌اند. در نتیجه چند دستگی سیاسی گسترده‌ای در میان آنها وجود دارد و مدت اخیر، با ناکامی و سوءمدیریت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آن سبب ساز گسست بیشتری در میان آنها شده‌است

اجلاس دموکراسی به ابتکار دولت بایدن برای ترویج نگرش امریکایی به دموکراسی و در سطحی کلان‌تر برای اعاده موقعیت جهانی رو به زوال امریکا در ماه دسامبر برپا شد. در واقع جویابند قصد داشت با برگزاری این اجلاس و دعوت از متحدان خود برای شرکت در آن به نوعی ادعانماید که امریکا همچنان مهد دموکراسی و تعیین‌کننده معیارهای آن است. نکته قابل ذکر اینکه در سند «اړهنمای موقت راهبردی امنیت ملی» دولت جنید امریکا که اواخر ژانویه ۲۰۲۱ منتشر شد بر نگرانی دولت بایدن در باره دموکراسی تأکید شده‌است. در این سند آمده‌است: «امروز سرنوشت امریکایبش از هر زمان دیگر و به صورت حل‌ناشدنی به اتفاقات و رای سواحل خود مرتبط است. ما با جهانی روبه‌رو هستیم که در آن ملی‌گرایی در حال خیزش است، دموکراسی در حال عقب‌نشینی است، رقابت با چین، روسیه و سایر دولت‌های اقتدارگرا در حال افزایش است و انقلاب تکنولوژیک در حال شکل دهی به هر جنبه از زندگی ماست. دوران ما، دوران چالش‌های بی‌سابقه و همچنین فرصت‌های بی‌شماست.»

■ **جمع‌بندی:**

به‌رغم بارزنگرانی امریکادرباره وضعیت دموکراسی در جهان که نمود آن در برگزاری اجلاس مجازی دموکراسی بود، اما واقعیت این است که امریکا همواره در صدد تحمیل ارزش‌ها و هنجارهای مدنظ خود بر دیگر کشورها و نیز قضاوت درباره آنها نه بر اساس قواعد و هنجارهای شناخته شده به ویژه از سوی سازمان ملل بلکه طبق معیارهای خودساخته‌است. امریکا به خود می‌دهد که سسالانه گزارش وضعیت دموکراسی «اعلام کرد»ند بر گزار ی این نشست رویارویی‌های دینولوژیک در سطح جهانی تشدید می‌کند و باعث ایجاد خطوط حالت در جهان می‌شود. آنها اجلاس دموکراسی را محصول روحیه دوره جنگ سرد خوانده و معتقدند بر گزار ی آن با افزایش به توسعه و پیشرفت در جهان مغایرت دارد. دیپلمات‌های ارشد روس و چین تصریح کردند این اقدام نمی‌تواند از شک‌گیری ساختار جهان فکلیتی جلوگیری کند

هم قدرت جهانی قرار دارد اما اکنون مشروعیت و نفوذ بین‌المللی آن در زمینه سیاسی اساساً زیر سؤال رفته‌است. بنابراین برگزاری اجلاس دموکراسی نیز کمکی به افزایش وجهه جهانی آن یا زیر سؤال بردن کشورهای قریب یا مخالف واشنگتن در زمینه دموکراسی نخواهد کرد.

دیگر کسی کاخ سفید را مستحق رهبری دموکراسی نمی‌داند

دمو کراسی معیوب امریکا بر منبر وعظ جهان



■ **افول دموکراسی در امریکا**

به رغم ادعاهای امریکا درباره رهبری دموکراسی در جهان اما واقعیت این است که دموکراسی در معنای حقیقی خود مدت‌هاست در عرصه اجتماع و سیاست امریکا رو به افول است. مثال بارز این امر مناقشات سیاسی و اجتماعی پس از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری نوامبر ۲۰۲۰ در این کشور و به ویژه حمله به کنگره و شالوده دموکراسی امریکا را متزلزل ساخت. نکته جالب اینکه «کملا هریس» معلون رئیس‌جمهور امریکانیز در سخنان خود در «اجلاس دموکراسی» بر افول دموکراسی در این کشور صحنه‌نهاد است. وی در این باره گفت: «ما در امریکا می‌دانیم که دموکراسی‌مان مصون از خطر نیست. حادثه ۶ ژانویه، دغدغه‌برزگی در انتخابات‌ها جمع می‌شده‌است و قوانینی که بسیاری از ناخواهان‌ایه‌ای دهندگان تصویب کرده‌اند، در راستای تلاش‌ها برای مقابله با بحران دموکراسی است.» قایل ذکر است بسیاری از ایالت‌های جمهوریخواه امریکادر واکنش به ادعای تقلب انتخاباتی ترامپ در ۲۰۲۰، قوانینی را به تصویب رسانده‌اند که از جمله با محدود کردن رای‌گیری پستی و رای‌گیری زده‌هنگام، دسترسی افراد به صندوق‌های رای را محدود کرده‌اند. این معاون جویابند، رئیس‌جمهوری امریکادعان داشت اقدامات دولت بسرای حصول اطمینان از دسترسی همه شهروندان امریکا به حق رای، کافی نبود و به همین دلیل از کنگره امریکا خواست تا «همین حالا» اقدام کند.